فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ٤، بهار ٩٦، صفحات ٢١٤-١٨٧

سنجش و ارزیابی کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان زنگوان، استان ایلام)

جواد علی‌بیگی[١]، یارمحمّد قاسمی[٢]، حسین مهدی‌زاده[٣]

تاریخ دریافت: ١٣٩٥/٠٤/١٧ تاریخ پذیرش: ١٣٩٥/١٠/٣٠

چکیده

در مقاله‌ی حاضر تلاش شده با استفاده از شاخص‌های ذهنی، سطوح و اختلاف کیفیّت زندگی در نُه سکونتگاه روستایی دهستان زنگوان تعیین شود و ارتباط آن با میزان جمعیّت روستاها مشخّص گردد. تحقیق حاضر بر مبنای روش، توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع مطالعات کاربردی است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه شامل همه‌ی روستاهای دارای بیست خانوار و بیش‌تر دهستان زنگوان است. با بهره‌گیری از فرمول کوکران، ٢٤٨ خانوار به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به‌عنوان حجم نمونه برگزیده شده‌اند. شاخص‌ها و گویه‌های پژوهش نیز در چهار بُعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی انتخاب گردیده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه به‌وسیله‌ی نرم‌افزار اس.پی.اس.اس و با استفاده از آزمون تی و تحلیل واریانس صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از نامناسب بودن وضعیّت شاخص‌های کیفیّت زندگی در روستاهای دهستان زنگوان است؛ به‌گونه‌ای که بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌ی نمونه، کیفیّت آموزش، کیفیّت اوقات فراغت، کیفیّت محیط مسکونی، کیفیّت زیرساخت‌ها، کیفیّت درآمد و اشتغال و کیفیّت محیطی، پایین‌تر از حدّ متوسّط ارزیابی شده‌اند. مؤلّفه‌ی کیفیّت سلامت و امنیّت نیز در حدّ متوسّط بوده است. هم‌چنین، رابطه‌ی معنادار مثبتی بین جمعیّت و سطح کیفیّت زندگی در روستاهای مورد مطالعه، مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: کیفیّت زندگی، شاخص‌های ذهنی، ارزیابی، نواحی روستایی، دهستان زنگوان.

[١] مدرّس دانشگاه ایلام و دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی (نویسنده‌ی مسؤول) alibigy@yahoo.com

[٢] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام ym_ghasemi2004@yahoo.com

[٣] استادیار گروه توسعه‌ی روستایی دانشگاه ایلام Hossein.mahdizadeh@ilam.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدّمه و بیان مسأله

ظهور انقلاب صنعتی و گسترش روزافزون فرایند تفکیک و تمایز اجتماعی در جوامع بشری، ضرورت سازمان‌دهی و چرخش در فرایند توسعه را از حیث نظری و عملی به همراه داشته است؛ به‌گونه‌ای که رویکردهای مختلفی در باب چگونگی و کمّیّت توسعه مطرح شده‌اند. در آغاز، وجه غالب این رویکردها، تمرکز بر رشد اقتصادی بوده و از منظر رفاه و بهزیستی اجتماعی، گزاره‌ی «ثروت بیش‌تر به خوشبختی بیش‌تر افراد می‌انجامد»، اصلی پذیرفته‌شده تلقّی می‌گردیده است. امّا از اواسط دهه‌ی ۱۹٦۰ میلادی، از یک‌سو با ظهور پیامدهای منفی حاصل از رشد و از سوی دیگر با برجسته شدن دغدغه‌های جدید، جایگاه رشد اقتصادی به‌عنوان هدف اصلی توسعه مورد پرسش و تردید قرار گرفت و تلاش‌هایی انجام شد تا رشد اقتصادی و سیاست‌های مربوط به آن نه به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای دست‌یابی به اهداف توسعه در نظر گرفته شود. در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ مؤلّفه‌های مربوط به توسعه‌ی اجتماعی نظیر سرمایه‌ی اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی و ... نیز به ادبیّات توسعه راه یافت؛ به تعبیری، در سلسله‌مراتب اهداف توسعه تغییراتی اساسی انجام شد و با تأکید سازمان ملل، کیفیّت زندگی و بهزیستی اجتماعی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت که کاهش فقر و تخریب محیط زیست، افزایش بهداشت و طول عمر و به‌طور کلّی ارتقای کیفیّت زندگی را به همراه داشت (انبری[1]، ۲۰۱۰: ۱۵۲).

کیفیّت زندگی مردم در سکونتگاه‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله بهبود شرایط زندگی، رشد اقتصادی پایدار، رساندن مناطق روستایی تا حدّ استانداردهای ملّی توسعه و حصول اطمینان از جذّاب بودن مکان‌های مناطق روستایی (وودز، ۲۰۱۱: ۱۳۱)، اشـتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیّت و انجمن‌های قوی به‌طور خاص وابسته است (آزادی و همکاران، ۱۳۹۲: ٤۹). هرچند، کیفیّت زندگی مردم و مکان‌های شهری نیز به این عوامل وابسته است، امّا چالش‌های مربوط به سنجش رفاه و زندگی بهتر در این‌گونه نواحی با مناطق روستایی بسیار تفاوت دارد. برخی از این چالش‌ها به شرایط کلان اقتصادی وابسته‌اند، امّا برخی دیگر بـه چارچوب سازمانی و نهادی موجود در نواحی روستایی مربوط می‌شوند. عواملی مانند مقیاس کوچک و تراکم کم سکونتگاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش کشاورزی، فاصله‌ی زیاد و انزوای جغرافیایی آن‌ها و نیز راه‌های ارتباطی و شبکه‌ی حمل و نقل نامناسب و ناکارآمد، اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیّت زندگی

[1] Anbari

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ٤). از این رو، با توجّه به اهمّیّت کیفیّت زندگی در توسعه و بهزیستی اجتماعات انسانی، تحلیل فضایی و سنجش کیفیّت زندگی و تبیین عوامل مؤثّر بر آن، اهمّیّتی ویژه دارد.

بر اساس نتایج سرشماری جمعیّت در سال ۱۳۹۰، کم‌تر از ۲۹ درصد از جمعیّت کشور روستایی هستند، در حالی‌که در حدود یک قرن پیش (سال ۱۳۰۵)، حدوداً ۸۱ درصد از جمعیّت کشور در روستاها سکونت داشته‌اند. با وجود کاهش جمعیّت روستایی در کشور، در استان ایلام میزان روستانشینی حدود ۳٦ درصد و در شهرستان سیروان حدود ۷۱ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجّه به این مسأله، اهمّیّت مطالعه‌ی کیفیّت زندگی در دهستان زنگوان برای افزایش مطلوب خدمات‌رسانی به روستاییان، جلوگیری از مهاجرت روستایی و توسعه‌ی روستایی پایدار، کاملاً ضروری است؛ با عنایت به آن‌چه گفته شد، هدف اصلی این تحقیق، تعیین شاخص‌ها و ارزیابی و سنجش ابعاد کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان زنگوان، از توابع شهرستان سیروان واقع در استان ایلام، است تا مشخّص شود که آیا بین ابعاد کیفیّت زندگی روستاهای دهستان زنگوان تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟

پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی بررسی کیفیّت زندگی در نواحی روستایی، مطالعات متعدّدی انجام شده است که در زیر به نتایج برخی از این پژوهش‌ها به اختصار اشاره می‌گردد.

فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «سنجش کیفیّت زندگی در مناطق روستایی در دهستان آق‌بلغ، استان زنجان» با استفاده از روش ترکیبی وایکور و AHP انجام داده‌اند که نتایج آن نشان‌دهنده‌ی وجود تفاوت فضایی به لحاظ کیفیّت زندگی در میان روستاییانِ مورد مطالعه بوده است.

حیاتی و همکاران (۲۰۰٦) با استفاده از روش‌های کمّی و کیفی بر پایه‌ی روش‌های مشارکتی و با ترکیبی از نظرات کارشناسان و افراد بومی، شاخص‌های موقعیّت و پایگاه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، سطح تحصیلات سرپرست و سایر اعضای خانواده، دسترسی به منابع اعتباری و ...)، وضعیّت درآمدی (درآمد سالانه‌ی خانوار)، دارایی‌ها (مالکیّت زمین و تعداد دام، تجهیزات کشاورزی، تجهیزات زندگی و ...)، وضعیّت تغذیه‌ای (کیفیّت و کمّیّت مواد غذایی)، مسکن (داشتن خانه و وسایل به‌کار رفته در دیوار و سقف خانه‌ها) و تأمین اجتماعی (استفاده از خدمات

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بهداشتی، بیمه و ...) را برای اندازه‌گیری کیفیّت زندگی در مناطق روستایی ایران تدوین کرده‌اند. شاهرخی ساردو (۱۳۹۲) نیز برای سنجش کیفیّت زندگی مناطق روستایی، از شاخص‌های دارایی، درآمد، مشارکت اجتماعی، امنیّت غذایی، پوشاک، تأمین اجتماعی، مالکیّت، تعداد دام و احشام، تجهیزات زندگی، کیفیّت و کمّیّت مسکن، دسترسی به اعتبارات و سطح تحصیلات، استفاده کرده است.

یافته‌های پژوهش قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «تحلیل فضایی کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان بلوران»، نشان می‌دهد که وضعیّت شاخص‌های کیفیّت زندگی در روستاهای این دهستان نامناسب است. هم‌چنین بین میزان جمعیّت و کیفیّت زندگی، رابطه‌ی مستقیم معنادار آماری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش جمعیّت، شاخص کیفیّت زندگی نیز افزایش می‌یابد. پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تحت‌عنوان «ارزیابی کیفیّت زندگی در نواحی روستایی دهستان خاوه شمالی از توابع استان لرستان»، نتیجه‌گیری کرده‌اند که وضعیّت کیفیّت زندگی در منطقه از نظر شاخص‌های آموزشی، محیط مسکونی، محیط فیزیکی، درآمد و اشتغال، پایین‌تر از حدّ متوسّط است و از حیث شاخص‌های کیفیّت سلامت، امنیّت و کیفیّت کالبدی، در حدّ متوسط قرار دارد.

غفاری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی روند مطالعه‌ی کیفیّت زندگی در ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که اگرچه در سال‌های اخیر بر تعداد حوزه‌های مطالعاتی غیرپزشکی کیفیّت زندگی در ایران افزوده شده، امّا تعداد این مطالعات در مقایسه با حوزه‌ی مطالعات پزشکی بسیار کم است؛ به‌طوری که میزان مطالعات کیفیّت زندگی در ایران در حوزه‌ی پزشکی بیش از ۸ برابر این مطالعات در زمینه‌ی علوم اجتماعی است. علوم اجتماعی نسبت به پزشکی با دیدِ جامع‌تری به بررسی کیفیّت زندگی می‌پردازد. هم‌چنین جامعه‌ی مورد مطالعه‌ی آن متنوّع‌تر و تعداد مؤلّفه‌های کیفیّت زندگی در این حوزه بیش‌تر و به لحاظ محتوایی گسترده‌تر است.

در حوزهٔ مطالعات خارجی، لی (۲۰۰۸) در «بررسی کیفیّت زندگی ساکنان شهر تایپه در تایوان» دریافت که سن، تحصیلات، درآمد، وضعیّت تأهّل و محلّ سکونت بر شاخص‌های ذهنی کیفیّت زندگی اثرگذار هستند. نتایج مطالعه‌ی براگمن و همکاران (۲۰۰۷) نیز کیفیّت زندگی را از استانداردهای زندگی مانند شغل مناسب، درآمد، مسکن، آموزش، سلامتی و بهداشت، درمان و کیفیّت محیطی زندگی می‌داند. نتایج مطالعه‌ی کاستانزا (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که ترکیبی از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش‌های سنجش عینی و ذهنی برای تعیین کیفیّت زندگی، بهتر می‌تواند این مفهوم را ترسیم کند؛ به این ترتیب، کیفیّت زندگی از دو مؤلّفه‌ی تأمین نیازهای اساسی انسان (برآورده شدن نیازهای معیشتی، امنیّت، محبّت و عاطفه، مشارکت و آگاهی، گذراندن اوقات فراغت، خلّاقیّت، هویّت و آزادی) و رفاه (شادکامی، رضایتمندی و سودمندی برای افراد و گروه‌ها) تشکیل شده است.

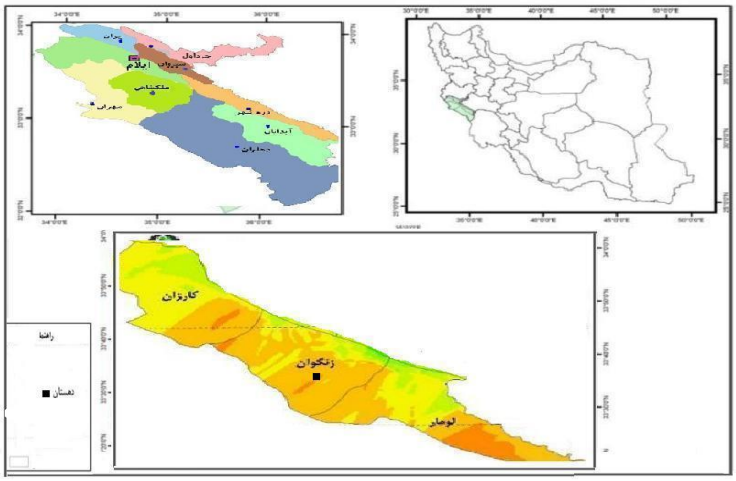
افزون بر این، ایور و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «کیفیّت زندگی در نواحی روستایی کرواسی» نتیجه گرفتند که فقدان فرصت‌های شغلی، محدودیّت انتخاب حرفه، امکانات و درآمد پایین و خدمات اجتماعی، بهداشتی و درمانی ضعیف، موجب کاهش کیفیّت زندگی و کاهش رضایت شده است. یافته‌های پژوهش رشیده زینال و همکاران (۲۰۱۲) که در آن به بررسی رابطه‌ی میان کیفیّت مسکن و کیفیّت زندگی در مناطق شهری فقیر مالزی پرداخته شده، نشان داده که بین شرایط مسکن (ویژگی‌های کالبدی، نوع مسکن، مالکیّت مسکن، شرایط محیطی و دسترسی به امکانات) و کیفیّت زندگی شهروندان، رابطه‌ی کم امّا معنادار و مثبتی وجود داشته است.

در مجموع، کیفیّت زندگی می‌تواند یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات روستایی در کشورهای مختلف به‌ویژه ایران باشد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، با توجّه به پیچیدگی و تنوّعی که در فضای مفهومی کیفیّت زندگی وجود دارد، هریک از محقّقان از شاخص‌های متفاوتی برای سنجش آن استفاده می‌کنند. در این پژوهش، کیفیّت زندگی در چهار بُعد اجتماعی، کالبدی، محیطی و اقتصادی مورد سنجش قرار گرفته که در قالب چارچوب مفهومی پژوهش (شکل شماره‌ی سه) بیان شده و در مرور پیشینه و مبانی نظری تحقیق به‌ویژه مدل تلفیقی کیفیّت زندگی ونتگوتو (۲۰۰۳) و فرض‌های ناگلیر (۱۹۹٦) نیز به آن اشاره گردیده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

دهستان زنگوان از توابع بخش کارزان و یکی از دهستان‌های شهرستان سیروان در استان ایلام است. این دهستان در قسمت شرقی بخش کارزان و در مرکز شهرستان واقع شده است. دهستان زنگوان از نظر موقعیّت نسبی از شمال به شهرستان چرداول، از جنوب به شهرستان ایلام، از شرق به دهستان لومار و از غرب به دهستان کارزان محدود است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، این دهستان ۳٦۹۵ نفر جمعیّت دارد. دهستان زنگوان در مجموع، شامل ۱٦ روستای دارای سکنه است کـه جمعیّت ۷ روستای آن، زیر ۲۰ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



شکل شماره‌ی یک- موقعیّت محدوده‌ی مورد مطالعه نسبت به استان و کلّ کشور

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری اطّلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از روش پیمایشی و تکمیل پرسش‌نامه بوده و در آن مهم‌ترین زمینه‌های مرتبط با کیفیّت زندگی شامل کیفیّت آموزش، کیفیّت سلامت و امنیّت، کیفیّت محیط مسکونی، کیفیّت محیطی، کیفیّت زیرساخت‌ها، کیفیّت اشتغال و درآمد و کیفیّت گذران اوقات فراغت، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. برای عملیاتی کردن متغیّرها، به طرح گویه‌هایی با طیف لیکرت درباره‌ی هریک از متغیّرها اقدام شده است (جدول شماره‌ی یک).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی یک- تعریف عملیاتی متغیّرهای نظری

ابعاد	متغیّر کیفیّت	گویه‌ها	تعداد
بعد اجتماعی	آموزش	دسترسی به مدارس نوساز و با کیفیّت مناسب، دسترسی دانش‌آموزان به مدارس به‌آسانی و در کم‌ترین زمان، دسترسی دانش‌آموزان به معلّمان خوب و باتجربه، دسترسی دانش‌آموزان به تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس.	٤
	سلامت	مصرف هفتگی مواد پروتئینی (گوشت و ماهی) در برنامه‌ی غذایی، مصرف هفتگی میوه و سبزیجات در برنامه‌ی غذایی، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی-درمانی (خانه‌ی بهداشت و درمانگاه)، بهره‌مندی از حمام بهداشتی، سهولت دسترسی به پاسگاه پلیس در مواقع اضطراری، وجود اتّحاد و انسجام و نبود نزاع و کشمکش در میان ساکنان.	٦
	اوقات فراغت	وجود امکانات مناسب ورزشی در روستا، سهولت دسترسی به کتابخانه، بازدید ساکنان روستا از جاذبه‌های گردشگری داخل استان، توانایی انجام مسافرت‌های تفریحی خارج از استان به همراه خانواده.	٤
کیفیّت کالبدی	محیط مسکونی	برخورداری از منزل مسکونی بادوام و با کیفیّت مناسب، وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی (سیستم گرمایشی و سرمایشی و سرویس بهداشتی)، کاربرد مصالح مقاوم در ساخت واحدهای مسکونی، وجود نورگیری و روشنایی مناسب و کافی.	٦
	زیرساخت‌ها	برخورداری از راه ارتباطی مناسب، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل مناسب، سهولت دسترسی به مراکز شهری، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، دسترسی به منابع مالی و اعتباری (تسهیلات بانکی و تسهیلات صندوق‌های قرض‌الحسنه).	٦
بعد محیطی	کیفیّت محیطی	استفاده از روش‌های بهداشتی و علمی برای دفع زباله‌ها، استفاده از روش‌های بهداشتی برای جمع‌آوری و دفع فاضلاب‌های خانگی، وضعیّت معابر، پرهیز از ساخت خانه‌ها در اراضی شیب‌دار و خطرناک، تخریب و فرسایش خاک، اتلاف و آلودگی منابع آب.	٦
بعد اقتصادی	اشتغال و درآمد	رضایت از درآمد، رضایت از وضعیّت شغلی، امید به آینده‌ی شغلی، برخورداری از سلامت جسمانی، داشتن پس‌انداز.	٥

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، همه‌ی سرپرستان خانوارهای ساکن در روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار دهستان زنگوان، مشتمل بر نُه روستای مندرج در جدول شماره‌ی دو، با مرکزیّت روستای شهرک سرتنگ هستند. برای تعیین تعداد نمونه‌ها، با بهره‌گیری از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب، ۲٤۸ خانوار انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجّه به این‌که روستاهای هدف این پژوهش، روستاهایی با جمعیّت بیش از ۲۰ خانوار هستند، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شده است. طبقات را روستاهای مورد نظر (نُه روستای هدف) تشکیل می‌دهند. در مرحله‌ی بعد، بـه نسبت جمعیّت هر روستا، نمونه‌ی مورد مطالعه از آن روستا انتخاب شد و سپس در مرحله‌ی آخر به صورت تصادفی، پرسش‌نامه در میان آن‌ها توزیع گردید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی، از آزمون t تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس استفاده شده است. از آن‌جا که آزمون تک‌نمونه‌ای برای مقایسه‌ی میانگین‌ها نیاز به حدّ متوسّط فرضی دارد، به منظور مقایسه‌ی میانگین هریک از ابعاد کیفیّت زندگی برای آزمون فرضیّه‌ی اوّل، بر مبنای تعداد گویه‌ها حدّ متوسّط به‌عنوان نقطه‌ی مبنا برای ارزشیابی کیفیّت زندگی در نظر گرفته شده است؛ به‌عنوان مثال، برای محاسبه‌ی حدّ متوسّط مؤلّفه‌ی آموزش کـه دارای چهار گویه در طیف پنج ارزشی است، حدّ متوسّط نمره‌ها، ۱۲ در نظر گرفته شده است. بدیهی است که با توجّه به جهت هریک از گویه‌ها، نمره‌های بیش‌تر از حدّ متوسّط، شرایط مناسب‌تر کیفیّت زندگی را نشان می‌دهند. علاوه بر این، برای آزمون فرضیّه‌ی دوم از تحلیل واریانس یک‌طرفه با فرض نرمال بودن و برابری واریانس‌ها به منظور مقایسه‌ی ابعاد کیفیّت زندگی در سطح روستاهای نمونه بهره گرفته شده و برای آزمون فرضیّه‌ی سوم نیز از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده گردیده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی دو- روستاهای مورد مطالعه در دهستان زنگوان

نام روستا	تعداد خانوار	جمعیّت	تعداد نمونه	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیّت	تعداد نمونه
نسار مله ماران	٥٦	٢٤٥	١٨	باباشمس	٦٧	٣٠٥	٢٢
برآفتاب مله ماران	٣٦	١٦١	١٢	پهنه‌بر	٢٦	١٠٩	٨
حسن گاوداری	١٠٤	٤٥٢	٣٣	شهرک سرتنگ	٢٦٤	٩٨٨	٧١
سراب کلان	٢٣٣	٩٠٥	٦٥	ورمیان	٢٦	١٢٥	٩
لرنی علیا	٣٦	١٣٩	١٠	جمع کل	٨٤٨	٣٤٨٣	٢٤٨

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

فرضیّه‌های پژوهش

با توجّه به هدف اصلی این پژوهش، سه فرضیّه به شرح زیر مطالعه می‌شود:

۱. به‌نظر می‌رسد کیفیّت زندگی سکونتگاه‌های روستایی دهستان زنگوان، در سطح پایینی قرار دارد.

۲. به‌نظر می‌رسد تفاوت معناداری بین کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان زنگوان وجود دارد.

۳. به‌نظر می‌رسد رابطه‌ی معنادار مثبتی بین تعداد جمعیّت و سطح کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان زنگوان وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

کیفیّت زندگی مفهوم پیچیده‌ای است که بسیاری از جنبه‌های مادی و غیرمادی را شامل می‌شود؛ به رفاه عمومی مردم، گروه‌ها یا جوامع اشاره دارد و به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان از مراقبت‌های بهداشتی، سیاست و توسعه‌ی بین‌المللی نام برد (بروئر و دیمیترو، ٢٠١٤: ٣٠). افزون بر این، کیفیّت زندگی از جمله مفاهیمی است که طی دو سه دهه‌ی اخیر بیش‌تر مورد اهتمام قرار گرفته و در حوزه‌های مختلف دانش بشری، تحلیل و سنجش و نقد شده است؛ تا آن‌جا که توسّط هرکسی بدون تفکّر و تعمّق استعمال می‌شود، امّا غالباً از ارائه‌ی تعریف دقیق برای این مفهوم، پرهیز می‌کنند (الدین و همکاران، ۲۰۱۳: ۸۷). کیفیّت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

زندگی مفهومی قرن بیستمی نیست، بلکه تاریخچه‌ی آن به دوران ارسطو بازمی‌گردد. ارسطو در آن دوران، زندگی خوب خود را به معنی شاد بودن در نظر گرفته بود (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). در دوران جدید نیز فیلسوفانی نظیر گیرکگارد، ژان پل ساتر و مازلو به هنگام بحث درباره‌ی حالات درونی شخص، به آن توجّه کرده‌اند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ١٤).

مفهوم کیفیّت زندگی از مهم‌ترین جریان‌های فکری اخیر است که برنامه‌ریزی را تحت‌تأثیر خود قرار داده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱)؛ به‌گونه‌ای که مفاهیم و شاخص‌های مربوط به توسعه را از حوزه‌های تک‌بعدی، عینی و مادی صِرف خارج ساخته و بر ابعاد چندگانه، عینی و ذهنی، و مادی و معنوی توسعه متمرکز شده است (حسینی و باقریان، ۱۳۹۳: ۱۷). کیفیّت زندگی به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی-روانی و مادی جامعه تعریف گردیده و در این زمینه از کیفیّت زندگی روستایی نیز به مفهوم چگونگی شرایط و وضعیّت زندگی خانواده‌های روستایی یاد شده است (پال و کومار[1]، ۲۰۰۵: ۱۸). در واقع، مفاهیم کیفیّت زندگی و رفاه، متضمّن عوامل مختلفی در محدوده‌ی زمان، فضا و اهداف قابل ارزیابی هستند (بان‌کینلی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۰۵). جدیدترین نظریّه در زمینه‌ی ارزیابی کیفیّت زندگی، توسّط بالاس و ترانمر (۲۰۱۲) در علم منطقه‌ای ارائه شده که یک مدل چندسطحی را برای ارزیابی رفاه شخصی خانوارها در خوشه‌بندی منطقه‌ای پیشنهاد می‌دهد (بالاس و ترانمر، ۲۰۱۲: ۹۶).

با توجّه به آن‌چه ذکر شد، می‌توان گفت هنوز ادبیّات مربوط به مفهوم کیفیّت زندگی، چندان استوار نشده است. ارائه‌ی یک تعریف برای این مفهوم، بسیار مشکل است و درباره‌ی واژه‌شناسی، واژه‌های ساخت و معیارهایی که این سازه را تشکیل می‌دهند، هیچ توافقی وجود ندارد و تلاش‌ها برای دست‌یابی به یک تعریف اجماعی، موفّق نبوده است (مورایس و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۹۹). امّا آن‌چه مسلّم به‌نظر می‌رسد، این است که همه‌ی مطالعات کیفیّت زندگی تحت دو سرفصلِ شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی، صورت می‌گیرند (آلن و همکاران[2]، ۲۰۰۲: ١٤).

بنابراین یکی از مشخّصات اصلی و بنیادین کیفیّت زندگی، چندبعدی بودن آن است (کرد زنگنه، ۱۳۸۵: ۳). بیش‌تر محقّقان و صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که کیفیّت زندگی دارای ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی و اقتصادی است. در بعد فیزیکی، پرسش‌های مربوط به ابعاد جسمانی انسان (شامل قدرت، انرژی و توانایی انجام فعّالیّت‌های روزمرّه و خودمراقبتی و نیز

[1] Pal and kumar
[2] Allen et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

علائم بیماری مانند درد) مورد تفسیر و سنجش قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی، احساس بهتر بودن و کیفیّت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می‌گردد. در بعد روان‌شناختی بیش‌تر نشانه‌های روانی شامل اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیّت نسبی سنجیده می‌شود. در بعد محیطی، کیفیّت محیط پیرامون زندگی بشر برای زیست، مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در بعد اقتصادی نیز مؤلّفه‌هایی چون میزان رضایت از درآمد و نوع شغل یا رضایت شغلی ارزیابی می‌شوند (دهداری، ۱۳۸۱: ٤٠).

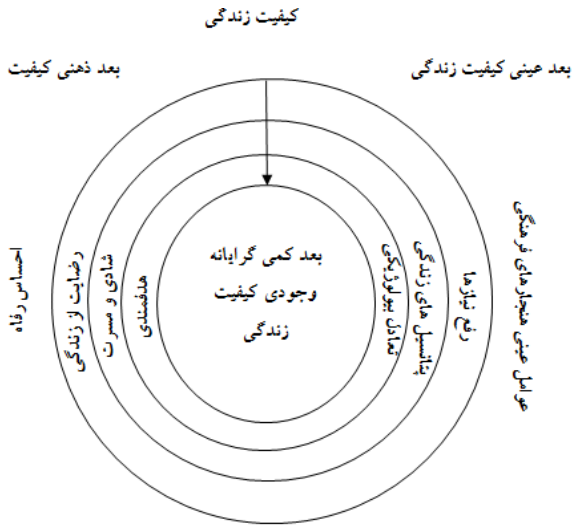
به‌نظر می‌رسد با ناگلیر که در سال ۱۹۹٦ تعدادی فرض مرتبط با کیفیّت زندگی را به‌عنوان اصول راهنما برای روند مطالعه‌ی مسائل کیفیّت زندگی مطرح کرد، می‌توان هم‌سو بود. این فرض‌ها عبارتند از:

۱. کیفیّت زندگی مفهومی چندبعدی است؛ ۲. هر فرد ماهیّتی زیستی، اجتماعی و روانی دارد که در تعامل مستمر با محیط اوست؛ ۳. کیفیّت زندگی برخاسته از پیچیدگی کنش متقابل شخص با محیط است؛ ٤. ابعاد کیفیّت زندگی همراه با توانایی یا عدم توانایی مردم برای همه یکسان است؛ ۵. اگرچه ابعاد اساسی کیفیّت زندگی برای همگان یکسان است، امّا کیفیّت زندگی با درجات مختلف در افراد گوناگون متفاوت است (آیو، ۲۰۰۵: ۳۲).

بنابراین، برای عملیاتی کردن مفهوم کیفیّت زندگی، طرّاحی شاخص‌های آن ضروری است. بر این مبنا، ونتگوتو[1] در سال ۲۰۰۲ مدلی را با عنوان تئوری تلفیقی کیفیّت زندگی ارائه کرده است (شکل شماره‌ی دو).

[1] Ventgoto

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



شکل شماره‌ی دو- مدل تلفیقی کیفیّت زندگی

(مأخذ: ونتگوتو، ۲۰۰۳)

بر اساس این مدل، ماهیّت زندگی می‌تواند شامل طیفی از ذهنیّات تا عینیّات باشد که این طیف دربرگیرنده‌ی احساس رفاه، رضایت از زندگی، تعادل بیولوژیک، درک توانایی‌های خود، تحقّق نیازها و عوامل عینی از قبیل درآمد، وضعیّت ازدواج یا تحصیلات است. به‌طور کلّی این مدل بیان می‌کند که کیفیّت زندگی شامل سه بعد اساسی ذهنی، عینی و وجودی (یا هستی‌گرایانه) است که هریک در تعامل با دیگری است. بعد ذهنی کیفیّت زندگی نشان‌دهنده‌ی چگونگی ارزیابی و احساس فرد درباره‌ی زندگی است. در این بعد هر فرد چگونه زیستن خود و احساسش از زندگی را ارزیابی می‌کند. در بعد وجودی یا هستی‌گرایانه، چگونه خوب بودن زندگی هر فرد در سطحی عمیق‌تر بیان می‌شود. این بعد تناسب و توازن فردی را در سطحی عمیق‌تر منعکس می‌کند. در بعد عینی کیفیّت زندگی نیز این واقعیّت که زندگی فرد چگونه به‌وسیله‌ی جهان خارج و محیط‌های اطراف، درک و تفسیر می‌شود، تبیین می‌گردد. این ابعاد دارای هم‌پوشانی هستند و بر اساس آن‌چه پیش‌تر بیان شد، می‌توانند در طیفی از ذهنیّات تا عینیّات دسته‌بندی شوند. در این مدل، احساس رفاه مهم‌ترین جنبه‌ی ذهنی کیفیّت زندگی است. کیفیّت زندگی در این‌جا به معنای ارزیابی شخص از زندگی خود است. رضایت از زندگی نیز در این مدل به معنای احساس کردن زندگی به گونه‌ای است که باید باشد. هنگامی که آرزوها و نیازهای افراد توسّط محیط اطراف برآورده می‌شود، فرد راضی است. مسرّت و شادی نیز مفهومی انتزاعی است. شادی صرفاً به معنای سرزنده بودن و

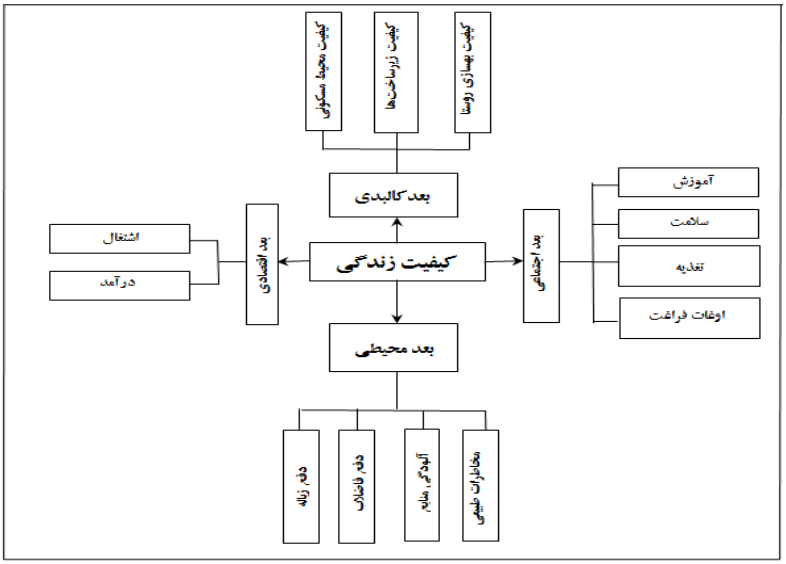
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خرسندی نیست، بلکه احساس ویژه‌ای است که فقط فرد در درون خود درک می‌کند. باید اذعان کرد که پرسش‌های محدودی در زمینه‌ی هدفمندی، مطرح بوده‌اند؛ زیرا درک معنای دقیق زندگی تا حدّ زیادی به وضعیّت انسان بستگی دارد و تعداد کمی از افراد به این گونه پرسش‌ها پاسخ می‌دهند.

در مفهوم تعادل بیولوژیک به‌عنوان وجهی از کیفیّت زندگی، پرسش‌هایی درباره‌ی بنیاد نهادهای بیولوژیک مرتبط با انسان مطرح است. از این دیدگاه، سلامت جسمانی فرد منعکس‌کننده‌ی وضعیّت سیستم بیولوژیک است که در آن سلول‌های بدن به اطّلاعات دقیق و موشکافانه برای حفظ سلامتی نیاز دارند. هم‌چنین در این مدل، درک پتانسیل‌های زندگی از مفاهیمِ تعیین‌کننده و محوریِ کیفیّت زندگی است. افراد از این پتانسیل‌ها برای فعّالیّت‌ها، ارتباطات اجتماعی و کار استفاده می‌کنند. مفهوم نیاز و تحقّق آن در این مدل، جایگاه ویژه و شاخصی دارد. نیازها به‌طور معمول با کیفیّت زندگی مرتبط هستند و بدیهی است هنگامی که نیازهای افراد برآورده گردد، کیفیّت زندگی آن‌ها بالا ارزیابی می‌شود. در مدل پیشنهادی ونتگوتو، جنبه‌های عینی کیفیّت زندگی با عوامل خارجی سروکار می‌یابند. این عوامل عبارتند از: درآمد، وضعیّت ازدواج، وضعیّت سلامتی و ارتباطات اجتماعی. عوامل عینی کیفیّت زندگی دقیقاً فرهنگی هستند. به‌طور کلّی با توجّه به مدل تلفیقی کیفیّت زندگی می‌توان گفت احساس رفاه و عوامل عینی عمدتاً سطحی‌اند؛ زیرا با توانایی افراد برای پذیرش ارزش‌های فرهنگی ارتباط دارند، در صورتی که ابعاد رضایت از زندگی و تحقّق نیازها، با جنبه‌های عمیق کیفیّت زندگی مرتبط است (ونتگوتو، ۲۰۰۳: ۱۰۳۰-۱۰٤۰).

با توجّه به تعاریف ارائه‌شده می‌توان گفت اصولاً کیفیّت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی در رابطه با وضعیّت جمعیّت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (روستا، شهر، کشور و...) است که هم متّکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متّکی به شاخص‌های عینی یا کمّی است. در این مقاله نیز نگارندگان، کیفیّت زندگی را به‌عنوان مفهومی که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی است، در نظر گرفته‌اند. در بعد اقتصادی شاخص‌هایی چون اقتصاد و درآمد، در بعد اجتماعی شاخص‌هایی چون آموزش، تغذیه، سلامت و اوقات فراغت، در بعد محیطی شاخص‌هایی چون دفع زباله، دفع فاضلاب، آلودگی منابع و مخاطرات محیطی و در بعد کالبدی نیز شاخص‌هایی چون کیفیّت محیط مسکونی، کیفیّت زیرساخت‌ها و کیفیّت بهسازی روستا، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (شکل شماره‌ی سه).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



شکل شماره‌ی سه- مدل مفهومی تحقیق

یافته‌های پژوهش

بررسی‌های توصیفی از بین ۹۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۸/۳ درصد از پاسخ‌گویان زن نشان می‌دهد که از حیث وضعیّت سواد، ۲۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد، ١٤/٧ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۱۹/۵ درصد دارای مدرک تحصیلی سیکل، ۲۰/۷ درصد دیپلم، ۱۵/۷ درصد فوق دیپلم و ۸/٦ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر بوده‌اند. به لحاظ وضعیّت شغلی نیز ٢٥/٤ درصد از پاسخ‌گویان فاقد شغل، ۷/۳ درصد دارای شغل دائم، ٥٤/٧ درصد دارای شغل فصلی و ١٢/٦ درصد روزمزد بوده‌اند. از نظر وضعیّت سنّی، ٤٥/٧ درصد از پاسخ‌گویان کم‌تر از ٤٠ سال، ٣٤/٣ درصد بین ٤٠ تا ٦٠ سال و ٢٠ درصد بالاتر از ٦٠ سال سن داشته‌اند.

- **آزمون فرضیّه‌ی اوّل: به‌نظر می‌رسد مناطق روستایی دهستان زنگوان، از کیفیّت زندگی مطلوبی برخوردار نیستند.**

با توجّه به نتایج به‌دست آمده در جدول شماره‌ی سه، شرایط کیفیّت زندگی در منطقه‌ی مورد مطالعه در همه‌ی مؤلّفه‌ها غیر از مؤلّفه‌ی «سلامت و امنیّت» کم‌تر از حدّ متوسّط ارزیابی شده است. در این میان، نامناسب‌ترین شرایط را به ترتیب می‌توان در مؤلّفه‌های آموزش، درآمد و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اشتغال و اوقات فراغت مشاهده کرد؛ به‌گونه‌ای که آماره‌ی t تک‌نمونه‌ای محاسبه‌شده برای این مؤلّفه‌ها، انحراف فراوانی را از حدّ متوسط نشان می‌دهد. این امر به معنای آن است که گویه‌های مبنایی مؤلّفه‌های آموزش، اوقات فراغت، محیط مسکونی، زیرساخت‌ها و درآمد و اشتغال، مانندِ دسترسی به مدارس نوساز و با کیفیّت مناسب، دسترسی دانش‌آموزان به مدارس به‌آسانی و در کم‌ترین زمان، دسترسی دانش‌آموزان به معلّمان خوب و باتجربه، دسترسی دانش‌آموزان به تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس، وجود امکانات مناسب ورزشی در روستا، سهولت دسترسی به کتابخانه، بازدید ساکنان روستا از جاذبه‌های گردشگری داخل استان، توانایی انجام مسافرت‌های تفریحی خارج از استان به همراه خانواده، برخورداری از منزل مسکونی بادوام و با کیفیّت مناسب، وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی (سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی و سرویس بهداشتی)، کاربرد مصالح مقاوم در ساخت واحدهای مسکونی، وجود نورگیری و روشنایی مناسب و کافی، برخورداری از راه ارتباطی مناسب، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل مناسب، سهولت دسترسی به مراکز شهری، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، دسترسی به منابع مالی و اعتباری، رضایت از درآمد، رضایت از وضعیّت شغلی، امید به آینده‌ی شغلی، برخورداری از سلامت جسمانی و داشتن پس‌انداز، وضعیّت نامطلوبی دارند. از این رو، علامت منفی در جدول شماره‌ی سه نشان می‌دهد میانگین متغیّرهای مورد بررسی (به غیر از مؤلّفه‌ی سلامت و امنیّت)، کوچک‌تر از میانه‌ی نظری یا نمره‌ی ملاک است؛ به‌عبارت دیگر، بین رضایتمندی روستاییان منطقه‌ی مورد مطالعه و میانه‌ی نظری آزمون، اختلاف معناداری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین، سطح کیفیّت زندگی افراد مورد مطالعه، پایین‌تر از حدّ متوسّط ارزیابی می‌شود؛ در نتیجه، فرضیّه‌ی اوّل این آزمون تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی سه- سطح معناداری ارزیابی ساکنان از ابعاد و مؤلّفه‌های کیفیّت زندگی

ابعاد	مؤلّفه	آماره t	میانگین	سطح معناداری	TestValue
اجتماعی	آموزش	-۶۱/۷۶۳	٤/۸۹۳	۰/۰۰۰	۱۲
	سلامت و امنیّت	۵/۷٤٤	۱۸/۳۹۹	۰/۰۰۰	۱۸
	اوقات فراغت	-۸/۸۸٤	۹/۳٦	۰/۰۰۰	۱۲
کالبدی	محیط مسکونی	-۹/۱۸۰	۱۵/٤۸۰	۰/۰۰۰	۱۸
	زیرساخت‌ها	-۱۹/٦۳۹	۱۲/٦۷۹	۰/۰۰۰	۱۸
اقتصادی	درآمد و اشتغال	-٦۳/٦۰٤	٦/۸۸۰	۰/۰۰۰	۱۵
محیطی	کیفیّت محیطی	-۱۰/۳۲۲	۱۷/۱۰۰	۰/۰۰۰	۱۸

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

- **آزمون فرضیّه‌ی دوم: به‌نظر می‌رسد تفاوت معناداری بین کیفیّت زندگی در روستاهای دهستان زنگوان وجود دارد.**

با توجّه به نتایج مندرج در جدول تحلیل واریانس فیشر، می‌توان نتیجه گرفت تفاوت معنادار روستاهای مورد مطالعه در شاخص‌های کیفیّت زندگی احتمالاً برحسب تصادف نیست؛ یعنی، متغیّرهای مستقل بر متغیّر وابسته‌ی مورد مطالعه اثر دارند. بنابراین، مشخّص می‌شود که اثر کلّی F (برای عوامل مستقل گروه‌بندی‌شده بین آزمودنی‌های نُه روستای مورد مطالعه) و متغیّرهای اجتماعی، کالبدی و محیطی معنادار است؛ به این معنا که حداقل میانگین یکی از روستاهای مورد مطالعه، با دیگر روستاها متفاوت است. بنابراین، فرضیّه‌ی صفرِ (H0) تساوی میانگینِ عوامل مؤثّر بر کیفیّت زندگی روستاییان رد شده و فرضیّه‌ی مخالف (H1) مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین کیفیّت زندگی در روستاهای دهستان زنگوان پذیرفته می‌شود (جدول شماره‌ی چهار).

جدول شماره‌ی چهار- تحلیل واریانس تفاوت ابعاد کیفیّت زندگی در دهستان زنگوان

ابعاد	سطح معناداری	جمع مجذورها		میانگین مجذورها	
		درون‌گروهی	بین‌گروهی	درون‌گروهی	بین‌گروهی
اجتماعی	۰/۰۰۰	۱۰٦۹/٦۹۹	۲۳۱۲/۰٦۷	٤/۱٦۱	۷۵/۰۰۱
کالبدی	۰/۰۰۰	۲۳۹۳/٤٤۳	۲٤۳۲/۳٦۳	۹/۲٤۳	۲٦۵/۳٦۳
اقتصادی	۰/۰۰۰	۱۱۰٦/۲۱۰	۲۱۲۱/٤٤۵	۵/۷۰۵	۸۳/ ۱۳۵
محیطی	۰/۰۰۰	۲٤۸۲/۲۲٤	۲۵۵۲/ ۹۳۵	۱۰/۳۷۵	۲۵۵/۲۹٤

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

از این رو، در این پژوهش از مدل خطّی عمومی تک‌متغیّره (آزمون توکی) برای مشخّص شدن اختلافات سطح روستاهای مورد مطالعه از نظر عوامل مؤثّر بر کیفیّت زندگی روستاییان نیز استفاده شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی پنج- طبقه‌بندی کیفیّت زندگی در روستاهای نمونه از نظر بعد اجتماعی

نام روستا	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			
		۱	۲	۳	٤
شهرک سرتنگ	۷۱	۳۰/۳۳			
سراب کلان	٦٥	۲۹/٤٦			
حسن گاوداری	۳۳	۲۹/۱۲			
نسار مله ماران	۱۸		۲٦/٥٥		
باباشمس	۲۲		۲٦/۳۳		
لرنی علیا (جدید)	۱۰		۲٥/٦٦		
ورمیان	۹			۲۰/٥۲	
برآفتاب مله ماران	۱۲			۲۰/۱۳	
پهنه‌بر	۸				۱٤/۱٥

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی پنج قابل مشاهده است، بر اساس آزمون توکی، روستاهای مورد مطالعه به لحاظ کیفیّت زندگی از نظر بعد اجتماعی، در چهار طبقه قرار گرفته‌اند. در این طبقه‌بندی، روستای شهرک سرتنگ به‌عنوان مرکز دهستان با بالاترین سطح از لحاظ بعد اجتماعی، در طبقه‌ی اوّل و روستای پهنه‌بر با داشتن پایین‌ترین سطح از حیث بعد اجتماعی، در طبقه‌ی چهارم قرار گرفته است.

هم‌چنین، روستاهای مورد مطالعه از نظر کیفیّت زندگی بر اساس بعد کالبدی، در پنج طبقه تقسیم‌بندی شده‌اند. در این تقسیم‌بندی، روستای سراب کلان با بالاترین سطح کیفیّت در طبقه‌ی اوّل و روستای لرنی علیا با پایین‌ترین سطح کیفیّت در طبقه‌ی پنجم قرار گرفته است (جدول شماره‌ی شش).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی شش- طبقه‌بندی کیفیّت زندگی در روستاهای نمونه از حیث بعد کالبدی

نام روستا	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵				
		۱	۲	۳	٤	۵
سراب کلان	٦۵	۳۳/۹٦				
حسن گاوداری	۳۳	۳۷/۷٤				
شهرک سرتنگ	۷۱		۳۲/۹٦			
باباشمس	۲۲		۳۱/۳۵			
نسار مله ماران	۱۸			۳۰		
برآفتاب مله ماران	۱۲			۲۹/٦٦		
ورمیان	۹				۲٦/۲۰	
پهنه‌بر	۸				۲۵/٤۸	
لرنی علیا	۱۰					۱۸/٤۸

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

بر اساس جدول شماره‌ی هفت، روستاهای مورد مطالعه از نظر کیفیّت زندگی بر مبنای بعد محیطی، در سه طبقه تقسیم‌بندی شده‌اند. در این تقسیم‌بندی، روستای شهرک سرتنگ با بالاترین سطح کیفیّت در طبقه‌ی اوّل و روستای پهنه‌بر با پایین‌ترین سطح کیفیّت در طبقه‌ی سوم قرار گرفته است.

جدول شماره‌ی هفت- طبقه‌بندی کیفیّت زندگی در روستاهای نمونه به لحاظ بعد محیطی

نام روستا	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵		
		۱	۲	۳
شهرک سرتنگ	۷۲	۱٤/۹۳		
سراب کلان	٦۵	۱٤/۱٤		
نسار مله ماران	۱۸	۱۳/۷۲		
باباشمس	۲۲		۱۳/۵۵	
برآفتاب مله ماران	۱۲		۱۳/۲٤	
حسن گاوداری	۳۳		۱۳/۱۲	
لرنی علیا (جدید)	۱۰		۱۲/۸٦	
ورمیان	۹			۸/۳۵
پهنه‌بر	۸			۸/۱۰

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برای بررسی وضعیّت کیفیّت زندگی روستاییان، از تحلیل واریانس یا آزمون F یک‌طرفه استفاده شده است. هم‌چنین، برای مشخّص شدن این مسأله که در صورت وجود تفاوت بین این روستاها، این تفاوت‌ها در میان کدام‌یک از مناطق مورد بررسی است، از آزمون توکی استفاده شده است و با استفاده از این آزمون، گروه‌های مورد مطالعه به لحاظ عامل کیفیّت زندگی طبقه‌بندی شده‌اند. همان‌گونه که از نتایج جدول شماره‌ی هشت برمی‌آید، بین نُه روستای مورد مطالعه، از حیث عامل کیفیّت زندگی روستاییان، تفاوت معناداری در سطح آلفا ۰/۰۱ وجود دارد؛ به‌عبارت دیگر، حداقل میانگین یکی از روستاها به لحاظ عامل مورد بررسی، با دیگر روستاها متفاوت است. بنابراین، فرضیّه‌ی وجود تفاوت معناداری بین کیفیّت زندگی در روستاهای دهستان زنگوان تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی هشت- مقادیر محاسبه‌شده با استفاده از تحلیل واریانس برای بررسی کیفیّت زندگی

ابعاد	سطح معناداری	جمع مجذورها		میانگین مجذورها	
		درون‌گروهی	بین‌گروهی	درون‌گروهی	بین‌گروهی
کیفیّت زندگی	۰/۰۰۰	۵۹۱۲/۴۳۶	۱۳۱۴۶/۴۳۶	۲۶/۶۳	۱۳۱۵/۶۰۳۶

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

پس از آن‌که وجود اختلاف معنادار در میان روستاهای مورد مطالعه مشخّص گردید، با استفاده از آزمون توکی به مقایسه‌ی نتایج و رتبه‌بندی روستاها از نظر میانگین وزنی عامل مورد نظر پرداخته شده است (جدول شماره‌ی نُه).

جدول شماره‌ی نُه- طبقه‌بندی روستاهای نمونه از نظر کیفیّت زندگی

نام روستا	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			
		۱	۲	۳	٤
شهرک سرتنگ	۷۱	۸۹/٦٤			
سراب کلان	٦۵	۸۸/۳۲			
حسن گاوداری	۳۳	۸۸/۰۵			
باباشمس	۲۲		۸۲/۸٤		
نسار مله ماران	۱۸		۸۰/۷۷		
برآفتاب مله ماران	۱۲		۷۵/۸٤		
لرنی علیا (جدید)	۱۰			٦۹/۲۲	
ورمیان	۹			٦٤/۱۳	
پهنه‌بر	۸				٤۹/۳

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بر پایه‌ی نتایج، روستاهای مورد مطالعه از حیث کیفیّت زندگی به چهار طبقه تقسیم شده‌اند که روستاهای شهرک سرتنگ، سراب کلان و حسن گاوداری با بالاترین سطح کیفیّت زندگی در طبقه‌ی اوّل، روستاهای باباشمس، نسار مله ماران و برآفتاب مله ماران در طبقه‌ی دوم، روستاهای لرنی علیا و ورمیان در طبقه‌ی سوم و روستای پهنه‌بر در طبقه‌ی چهارم واقع شده است. به‌علاوه، بر اساس نتایج به‌دست آمده و با لحاظ نمودن همه‌ی ابعاد، روستای سرتنگ دارای بالاترین سطح کیفیّت زندگی در بین روستاهای مورد پژوهش بوده است؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف معناداری بین روستاهای مورد بررسی از نظر کیفیّت زندگی وجود دارد. بنابراین، فرضیّه‌ی دوم این پژوهش تأیید می‌شود.

- **فرضیّه‌ی سوم: به‌نظر می‌رسد رابطه‌ی معنادار مثبتی بین تعداد جمعیّت و سطح کیفیّت زندگی در روستاهای دهستان زنگوان وجود دارد.**

اطّلاعات موجود در جدول شماره‌ی ده، نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی مستقیم معنادار آماری در سطح آلفای ۰/۰۵ بین مؤلّفه‌های کیفیّت زندگی و میزان جمعیّت در سطح روستاهای مورد مطالعه است؛ به‌گونه‌ای که با افزایش جمعیّت، شاخص کلّ کیفیّت زندگی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، می‌توان ادّعا کرد که جمعیّت، عاملی اثرگذار در میزان کیفیّت زندگی در دهستان زنگوان است. در نتیجه، فرضیّه‌ی سوم این پژوهش نیز تأیید می‌شود (جدول شماره‌ی ده).

جدول شماره‌ی ده- ضریب هم‌بستگی بین جمعیّت و شاخص کلّ کیفیّت زندگی

مؤلّفه‌ها	ارزش‌ها	میزان جمعیّت	شاخص کیفیّت زندگی
میزان جمعیّت	هم‌بستگی پیرسون	۱	۰/٦۱۲
	سطح معناداری	-	۰/۰۲۹
	تعداد	۹	۹

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٤)

تحلیلی که بر پایه‌ی نتایج این فرضیّه می‌توان ارائه کرد، این است که بر اساس مطالعات صورت‌گرفته همیشه بین میزان جمعیّت و کیفیّت زندگی، رابطه‌ی معنادار آماری وجود دارد و در نظام برنامه‌ریزی کشور، روستاهای پرجمعیّت معمولاً از اولویّت بیش‌تری برای انجام فعّالیّت‌های عمرانی و دریافت خدمات مختلف برخوردارند. این در حالی است که در اغلب موارد، روستاهای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کوچک با بی‌مهری ارگان‌های دولتی مواجه هستند و دولت‌ها به جای رسیدگی و ارائه‌ی خدمات به روستاهای کم‌جمعیّت، معمولاً سیاست تجمیع را به ساکنین این روستاها پیشنهاد کرده‌اند. تجمّع امکانات و خدمات مختلف در روستاهای پرجمعیّت و عدم دسترسی مناسب سایر سکونتگاه‌های روستایی به این خدمات، از مهم‌ترین عوامل مؤثّر در پایین بودن کیفیّت زندگی در روستاهای کوچک و متوسّط در محدوده‌ی مورد بررسی است. بنابراین، نتیجه‌ی به‌دست آمده را می‌توان قابل قبول دانست.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج کلّی تحقیق حاکی از نامناسب بودن وضعیّت شاخص‌های کیفیّت زندگی در روستاهای دهستان زنگوان است؛ به‌طوری که بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌ی نمونه، کیفیّت آموزش، کیفیّت اوقات فراغت، کیفیّت محیط مسکونی، کیفیّت زیرساخت‌ها، کیفیّت درآمد و اشتغال و کیفیّت محیطی پایین‌تر از میانه‌ی نظری ارزیابی شده است، امّا مؤلّفه‌ی کیفیّت سلامت و امنیّت، بالاتر از میانه‌ی نظری است. هم‌چنین، رابطه‌ی معنادار مثبتی بین جمعیّت و سطح کیفیّت زندگی در روستاهای مورد مطالعه مشاهده گردیده است.

در ابعاد جزئی‌تر، نتایج حاصل از آزمون فرضیّه‌ی اوّل نشان می‌دهد که شرایط کیفیّت زندگی در منطقه‌ی مورد مطالعه در همه‌ی مؤلّفه‌ها غیر از مؤلّفه‌ی سلامت و امنیّت، کم‌تر از حدّ متوسّط ارزیابی شده است.

با توجّه به نتایج آزمون آماری تحلیل رگرسیون، در بعد اجتماعی کیفیّت زندگی، مؤلّفه‌ی «سلامت و امنیّت»، بالاتر از میانه‌ی نظری ارزیابی گردیده است؛ دلیل این امر آن است که در سال‌های اخیر، به دایر نمودن پاسگاه‌ها برای استقرار نظم و امنیّت در دهستان زنگوان توجّه زیادی شده است. به‌علاوه، ارتقای سطح فرهنگ روستاییان و دوری آن‌ها از کشکمش و درگیری‌های قبیله‌ای، از دیگر عوامل مؤثّر بر این امر است.

هم‌چنین، در بعد اجتماعی مؤلّفه‌ی «آموزش»، پایین‌تر از میانه‌ی نظری ارزیابی گردیده که این امر می‌تواند ناشی از عوامل ذیل باشد: پایین بودن کیفیّت آموزشی در مدارس از جمله عدم ارتقای کیفیّت به کمک ابزارهای مرتبط (یعنی تجهیزات آموزشی) و عدم هوشمندسازی نظام آموزشی مدارس این منطقه به‌ویژه مدارس روستایی، عدم تجهیز مدارس به حداقل امکاناتی چون رایانه و پروژکتور، پایین بودن سرانه‌ی دانش‌آموزی، نامناسب بودن تجهیزات آموزشی و احداث و تعمیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ساختمان‌ها، عدم رضایت از اجرای تغییرات اعمال‌شده در برخی پایه‌ها و تطبیق معلّمان با تغییرات اعمال‌شده در آموزش و پرورش، عدم رسیدگی کافی به رفاه معلّمان (مانند ارائه‌ی تسهیلات بانکی و تقویت علمی آموزگاران از طریق کلاس‌های ضمن خدمت)، برطرف نشدنِ نواقص موجود در تجهیزات آموزشی مدارس، کسب نکردنِ حمایت‌های لازم و عدم انجام پروژه‌های در حال اجرا برای احداث ساختمان مدارس جدید.

کیفیّت گذران «اوقات فراغت» نیز به دلیل تعداد نه چندان زیاد امکانات ورزشی و فرهنگی و هنری از جمله کتابخانه‌ی عمومی و استادیوم ورزشی، در سطح پایین‌تر از متوسّط ارزیابی شده است. کیفیّت محیط مسکونی نیز در جامعه‌ی نمونه، پایین‌تر از میانگین نظری بوده است. بـه دلیل عدم رضایتمندی از مسکن جدید مواردی چون برخورداری از منزل مسکونی بادوام و با کیفیّت مناسب، وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی (سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی و سرویس بهداشتی)، کاربرد مصالح مقاوم در ساخت واحدهای مسکونی و وجود نورگیری و روشنایی مناسب و کافی را دربرمی‌گیرد.

هم‌چنین، سطح کیفیّت اشتغال و درآمد، بسیار پایین ارزیابی شده است؛ به‌گونه‌ای که بیش‌ترِ جامعه‌ی نمونه از نوع شغل خود به سبب مشکلاتی که در طول یک سال کاری با آن مواجه بوده‌اند و در نهایت، درآمد و پس‌انداز ناچیزی عاید آن‌ها می‌شده است، احساس نارضایتی کرده و بـه آینده و پیشرفت شغلی خود امیدوار نبوده‌اند.

کیفیّت زیرساخت‌ها به دلیل دسترسی نه چندان زیاد به امکاناتی چون راه ارتباطی مناسب، وسایل حمل‌ونقل مناسب، دسترسی راحت به شهر، بهره‌مندی از آب آشامیدنی سالم، وجود جایگاه توزیع مواد سوختی و دسترسی به خدمات مالی و اعتباری، در حدّ پایین‌تر از متوسّط ارزیابی شده است. افزون بر این، کیفیّت محیطی در سطح روستاهای مورد مطالعه بسیار پایین بوده است؛ به‌طوری که در همه‌ی روستاها به غیر از مرکز دهستان، هیچ جایگاه دفن زباله و فضولات حیوانی و نیز روش‌های بهداشتی جمع‌آوری زباله و شبکه‌ی دفع فاضلاب وجود نداشته است. این امر، در فصول مختلف سال به‌ویژه تابستان منجر به بروز مشکلات متعدّد در روستاهای مورد مطالعه شده است. به‌علاوه، وضعیّت نامطلوب معابر، قرار داشتن خانه‌ها در اراضی شیب‌دار و خطرناک، تخریب و فرسایش خاک و اتلاف و آلودگی منابع آب، از دیگر مشکلات روستاهای دهستان زنگوان است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتایج حاصل از آزمون فرضیّه‌ی دوم نشان می‌دهد که با توجّه به نتایج تحلیل واریانس فیشر، بین روستاهای مورد مطالعه در شاخص‌های کیفیّت زندگی، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنی که حداقل میانگین یکی از روستاهای مورد مطالعه، با دیگر روستاها متفاوت است.

با توجّه به غلبه‌ی شغل کشاورزی و دامپروری در میان روستاییان منطقه‌ی مورد بررسی، معمولاً بین ساکنان روستاهای مورد مطالعه و حتّی بین روستاهای منطقه، از نظر کیفیّت اقتصادی تفاوت چشم‌گیری وجود ندارد؛ زیرا وضعیّت و کیفیّت روستاهای ایران از این لحاظ به‌طور معمول در سطحی تقریباً برابر قرار دارد و اغلب روستاهای کشور، گرفتار بیکاری، خشک‌سالی و کمبود آب، فقر، سنّتی بودن شیوه‌های تولید و پایین بودن سطح بهره‌وری، کمبود سرمایه‌گذاری و ... هستند. امّا از حیث کیفیّت کالبدی (شامل متغیّرهای محیط مسکونی و زیرساخت‌ها)، کیفیّت اجتماعی (شامل متغیّرهای آموزش، سلامت و امنیّت و اوقات فراغت) و کیفیّت محیطی (شامل متغیّرهای محیطی)، تفاوت چشم‌گیری در میان روستاهای مورد مطالعه وجود دارد که این نتایج از عوامل متعدّدی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شده، متأثّر بوده است. با در نظر گرفتن همه‌ی ابعاد بررسی‌شده در این پژوهش، نتایج نشان‌دهنده‌ی وجود تفاوت معنادار بین روستاهای مورد مطالعه است.

در زمینه‌ی فرضیّه‌ی سوم، اطّلاعات موجود حاکی از وجود رابطه‌ی مستقیم معنادار آماری در سطح آلفای ۰/۰۵ در میان مؤلّفه‌های کیفیّت زندگی و میزان جمعیّت در سطح روستاهای مورد مطالعه و تأیید این فرضیّه است؛ به‌گونه‌ای که با افزایش جمعیّت، شاخص کلّ کیفیّت زندگی نیز افزایش می‌یابد. با توجّه به این نتیجه، در دهستان زنگوان، روستاهایی که از جمعیّت بیش‌تری برخوردار هستند، از نظر کیفیّت زندگی نیز در سطح بالاتری قرار دارند. این نتیجه، غیرمعمول نیست؛ زیرا در نظام برنامه‌ریزی کشور، معمولاً روستاهای پرجمعیّت از اولویّت بالاتری برای انجام فعّالیّت‌های عمرانی و دریافت خدمات مختلف برخوردارند. این در حالی است که در اغلب موارد، روستاهای کوچک با بی‌مهری ارگان‌های دولتی مواجه هستند. تجمّع امکانات و خدمات مختلف در روستاهای پرجمعیّت و عدم دسترسی مناسب سایر سکونتگاه‌های روستایی به این خدمات، از مهم‌ترین عوامل مؤثّر در پایین بودن کیفیّت زندگی در روستاهای کوچک و متوسّط در محدوده‌ی مورد بررسی است.

بنابراین، نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات تقریباً مشابهی که در زمینه‌ی سنجش و ارزیابی کیفیّت زندگی در نواحی روستایی انجام شده‌اند، هم‌سویی قابل توجّهی دارد؛ برای نمونه،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بوسیلهایوو و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «کیفیّت زندگی در نواحی روستایی کرواسی» نتیجه‌گیری کرده‌اند که فقدان فرصت‌های شغلی، محدودیّت انتخاب حرفه، امکانات و درآمد پایین و خدمات اجتماعی، بهداشتی و درمانی ضعیف، موجب کاهش کیفیّت زندگی و کاهش رضایت شده است. در تحقیقی مشابه با عنوان «ارزیابی کیفیّت زندگی در نواحی روستایی دهستان خاوه شمالی از توابع استان لرستان» که توسّط پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) صورت گرفته، نتیجه‌گیری شده است که وضعیّت کیفیّت زندگی در منطقه از نظر شاخص‌های آموزشی، محیط مسکونی، محیط فیزیکی، درآمد و اشتغال، پایین‌تر از حدّ متوسّط است، امّا از حیث شاخص‌های کیفیّت سلامت، امنیّت و کیفیّت کالبدی در حدّ متوسّط قرار دارد. هم‌چنین، نتایج تحقیق بریمانی و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد میزان رضایتمندی روستاییان از کیفیّت زندگی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی، پایین‌تر از حدّ متوسّط است که البتّه در بعد اقتصادی با نتایج تحقیق ما هم‌سویی دارد، امّا در بعد اجتماعی با نتایج تحقیق حاضر هم‌سو نیست. به‌علاوه، قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان بلوران، استان لرستان)» نتیجه گرفته‌اند که بین میزان جمعیّت و کیفیّت زندگی، رابطه‌ی مستقیم معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش جمعیّت، شاخص کیفیّت زندگی نیز افزایش می‌یابد. نتایج به‌دست آمده از تحقیق عنابستانی و همکاران (۱۳۹٤) نیز حاکی از آن است که بین ابعاد چهارگانه (زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) و کیفیّت زندگی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ یعنی، با افزایش کیفیّت ابعاد چهارگانه، کیفیّت زندگی در روستاهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. به‌علاوه، مقدار ضریب هم‌بستگی بین متغیّرها ۹۷٤٪ است که نشان می‌دهد بین مجموعه‌ی متغیّرهای مستقل و متغیّر وابسته، هم‌بستگی نسبتاً قوی‌ای وجود دارد؛ هم‌چنین، متغیّرهای ابعاد کالبدی بیش‌ترین تأثیر را بر متغیّر کیفیّت زندگی دارند و متغیّرهای ابعاد اقتصادی و ابعاد اجتماعی در رتبه‌ی بعدی جای می‌گیرند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همه‌ی نظریّه‌ها و نتایج پژوهش‌های مذکور، دارای نوعی هم‌سویی با نتایج تحقیق حاضر هستند؛ اغلب این تحقیقات، تقریباً ابعاد اجتماعی، کالبدی، محیطی و اقتصادی در روستاها را متوسّط و رو به پایین ارزیابی کرده‌اند. به‌علاوه، نتایج اغلب پژوهش‌ها نشان داده که بین میزان جمعیّت و کیفیّت زندگی، رابطه‌ی مستقیم معناداری وجود دارد؛ به‌طوری که با افزایش جمعیّت، شاخص کیفیّت زندگی نیز افزایش می‌یابد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بیش‌تر محقّقان و صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که کیفیّت زندگی دارای ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی و اقتصادی است. در واقع، باید اذعان کرد یافته‌های تحقیق با فرض‌های مطرح‌شده توسّط ناگلیر و ریم برای ارتقای کیفیّت زندگی یعنی چند بعدی بودن کیفیّت زندگی و تعامل با محیط با رویکرد کل‌نگر، هم‌سویی دارد. به‌علاوه، این هم‌سویی در مدل عناصر اساسی کیفیّت زندگی ریم (۲۰۰۰) قابل درک است که بر مبنای آن، شاخص سلامتی و بهداشت به‌عنوان بعدی از ابعاد اصلی کیفیّت زندگی در نظر گرفته شده و ترکیبی از ابعاد فضایی، فیزیکی و اجتماعی از محیط و درک صحیح از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. افزون بر این، یکی از مشخّصات اصلی و بنیادین کیفیّت زندگی، چندبعدی بودن آن است که در نتایج پژوهش کرد زنگنه (۱۳۸۵) به آن اشاره شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. آزادی، یونس؛ تقدیسی، احمد؛ جمشیدی، علیرضا و جمینی، داود (۱۳۹۲) «ارزیابی کیفیّت زندگی در نواحی روستایی استان ایلام (مطالعه‌ی موردی: دهستان کارزان)»، **فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی**، سال دوم، شماره‌ی ۱، صص ٤۹-۷۱.

۲. ابراهیم‌زاده، عیسی و همکاران (۱۳۹۳) «تحلیل کیفیّت زندگی در دو بافت جدید و قدیم شهر مراغه با بهره‌گیری از مدل‌های آنتروپی و الکترو»، **فصلنامه‌ی آمایش محیط**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲٦، صص ۱-۱۸.

۳. بریمانی، فرامرز؛ جعفری، مهدی و بلوچی، عثمان (۱۳۹۳) «بررسی و تحلیل میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیّت زندگی؛ مطالعه‌ی موردی: دهستان مهبان شهرستان نیک‌شهر»، **فصلنامه‌ی فضای جغرافیایی**، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ٤٦، صص ۱۰۹-۱۲۷.

٤. پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و فتاحی، احداله (۱۳۹۰) «ارزیابی کیفیّت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره‌ی ۷٦، صص ۱۳-۳۱.

۵. حسینی، سیّد هادی و باقریان، خدیجه (۱۳۹۳) «تحلیلی بر مؤلّفه‌های سازنده‌ی کیفیّت زندگی در شهر نوشهر»، **فصلنامه‌ی آمایش محیط**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲۷، صص ۵۵-۷۸.

٦. دهداری، طاهره (۱۳۸۱) «**بررسی تأثیر آموزش بهداشت بر کیفیّت زندگی بیماران با عمل جراحی قلب باز**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی علوم فیزیک.

۷. رضوانی، محمّدرضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۷) «سنجش کیفیّت زندگی؛ بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه‌ی مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی»، **روستا و توسعه**، سال یازدهم، شماره‌ی ۳، صص ۱-۲٦.

۸. شاهرخی ساردو، صالح (۱۳۹۲) «**ارزیابی و رتبه‌بندی مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت به لحاظ شاخص‌های کیفیّت زندگی**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد توسعه‌ی روستایی، دانشگاه یاسوج.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۹. عنابستانی، علی‌اکبر؛ روستا، مجتبی؛ محمّدی، سیّد عبدالرضا و رفیعیان، سجّاد (۱۳۹٤) «تحلیل فضایی عوامل مؤثّر بر کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (نمونه: بخش سیمکان- شهرستان جهرم)»، **برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۱۸، صص ۸۵-۹۹.

۱۰. غفاری، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۱) «روند مطالعه‌ی کیفیّت زندگی در ایران»، **فصلنامه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی**، دوره‌ی اوّل، شماره‌ی ۳، صص ۱۰۷-۱۳٤.

۱۱. فرجی سبکبار، حسنعلی؛ صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمداله (۱۳۹۱) «سنجش کیفیّت زندگی در مناطق روستایی؛ مطالعه‌ی موردی: دهستان آق‌بلاغ استان زنجان»، **فصلنامه‌ی روستا و توسعه**، شماره‌ی ۳۱، صص ۲۷-٤۸.

۱۲. قدیری معصوم، مجتبی؛ قراگزلو، هادی؛ احمدی، سجّاد و لرستانی، اکبر (۱۳۹۳) «تحلیل فضایی کیفیّت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان بلوران، استان لرستان)»، **مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی**، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۲۸، صص ۱-۱٦.

۱۳. کرد زنگنه، جعفر (۱۳۸۵) «**بررسی کیفیّت زندگی مرتبط با سلامت سالمندان و عوامل مؤثّر بر آن؛ مطالعه‌ی موردی: شهر رامهرمز**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۱٤. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران**.

15. Allen, J., Voget, R. and Cordes, S (2002) **Quality of Life in Rural Nebraska: Trends and Changes**, Institute of Agriculture and Natural Resources.

16. Anbari, M (2008) Review the evolution of the quality of life in Iran (1986-2006), **Journal of Rural Development**, Year 1, 150-181.

17. Auh, S (2005) **An Investigation of the Relationships between Quality of Life andResidential Environments among Rural Families**, PhD thesis, University of Iowa State.

18. Ballas, D. and Tranmer M (2012) Happy People or Happy Places? A Multilevel Modeling Approach to theAnalysis of Happiness and Well-Being, **International Regional Science Review**, 35(1), 70–102.

19. Boncinelli, F., et al (2015) The determinants of quality of life in rural areas from a geographic perspective: The case of Tuscany, **Review of Urban & Regional Development Studies**, 27(2), 104–117.

20. Brauer, R. and Dymitrow, M (2014) Quality of life in rural areas: A topic for the Rural Development policy?, In: Szymańska, D and Sroda-Murawska, S. editors, **Bulletin of Geography, Socio-economic Series**, No. 25, Toruń: Nicolaus Copernicus University Press, pp. 25–54, DOI: http://dx.doi.org/10.2478/bog-2014-0028

21. Bruggemann, B. R., Garlipp, P., Haltenhof, H., and Seidler, K. P (2007) Quality of life and social support as outcomecharacteristics of a psychiatricday hospital, **German journal of psychiatry**, 10, 58-68.

22. Costanza, R (2007) Quality of life: An approachintegrating opportunities, human needs, andsubjective wellbeing, **Ecological Economics**, 61(1-2), 267-276.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

23. El Din, H.S., Shalaby, A., Farouh, H. E., Elariane, S. A (2013) Principles of urban quality of life for a neighborhood, **Housing and Building National Research Center (HBRC)**, No 9, pp. 86-92.
24. Hayati, D., E. Karami., and Slee, B (2006) Combining qualitative and quantitative methods in the measurement of rural poverty: The case of Iran, **Journal Social Indicators Research**, 75, 361-394.
25. Lee, Y.J (2008) Subjective Quality of Life Measurement in Taipei, **Building and Environment**, Vol. 43, Issue 7, 1205–1215.
26. Morais. P., Camanho, Ana (2011) Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements, **Omega**, No 39, Issue 4, PP. 398-409.
27. Pal, A. K. & Kumar, U. C (2005) Quality of Life Concept for theEvaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, **Asia-Pacific Journal of Rural Development**, Vol. 5, No. 2, 83-93.
28. Ventegots, M. & Jovvj. N (2003) Quality of Life Theory: An Integrative Theory of the Global Quality of Life Concept, **the Scientific World Journal**, 3, 1030-1040.
29. Woods, M (2011) **Rural**, New York: Routledge.
30. Zainal, R., Kaur, G., Khalili, J.M., Ahmad, A (2012) Housing Conditions and Quality of Life of the Urban Poor in Malaysia, **Social and Behavioral Sciences**, Vol. 50, PP. 827-838.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]